

زمین به تیغ بلاغت گرفته‌های سعدی
سیاس دار که جز فیض آسمانی نیست
بدین صفت که در آفاق شعر تو رفت
نرفت جلگه که آیش بدین روانی نیست
گنجینه ادب پارسی را گذر سده‌ها، همچون چشمه آناهیتا در رگ‌های اندیشه اندیشمندان جهان، روان است و به هر گوشه از پهنه گیتی که می‌نگری نشانی از آن همه خرد و دانایی را در دل سرزمین‌های دور و نزدیک می‌یابی …

در این میان، یکی از این نموده‌ها گسترش و ارجحندسی ادب پارسی در باخترزمین، به ویژه فرانسه، است. کشوری که بیش از دیگر سرزمین‌های اروپایی به ادب و هنر دل بست و پذیرای ارمن‌گان‌های خردورزی ایرانی- خاوری شرقی شد.

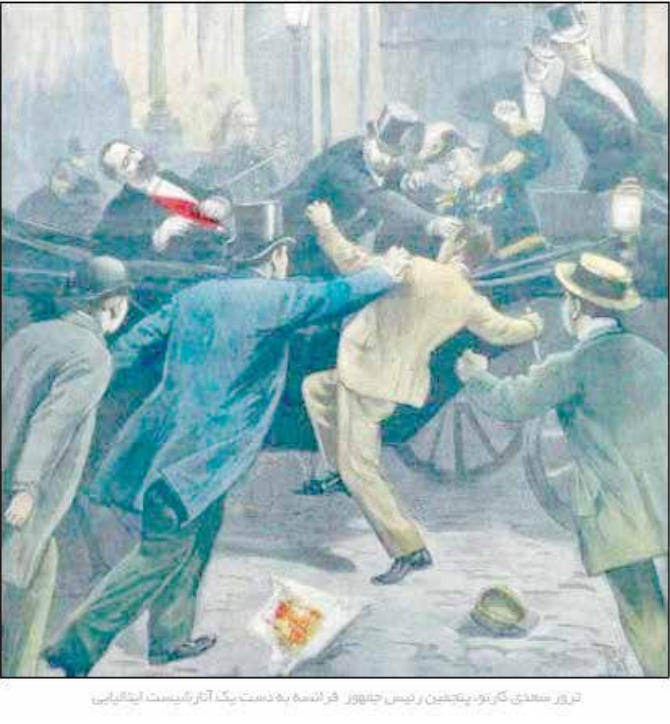
پس بیره نیست اگر آبل بونار، سرایندهٔ فرانسوی، چنین می‌اندیشد که: «همکن است کسی که همه کشورهای آسیا را در نوردیده، در همه آن‌ها به سیاحت پرداخته و با مردم آن‌ها درآمخته است، از فلسفه هند سرمست شود، از بزرگی چین که شگفت افتد و از نوبغ ژاپن در شگفت آید؛ ولی بی‌گمان از هنر ایران مسحور خواهد شد و این ملت که در همه هنرها تا سرحد کمال درخشیده، به یکی از آن‌ها بیشتر دل بسته است، و آن شعر و ادب است.»

از سویی دیگر، ویکتور ماری هوگو، نویسنده و سرایندهٔ پرآوازهٔ فرانسوی که بی‌هیچ گزافه می‌توان شیفته خاورش نامید، در سروده‌هایی شاماکار با همان گرایش (به نام خاوری‌ها) شبوه ادبی پاراناس (پاراناسیسم) را با آموزه «هنر برای هنر» در سده نوزدهم پایه‌ریزی می‌کند. رهبران پاراناس نیز آن بودند که در سروده‌هایشان هرگز به سرگذشت و بازگفتن درون خود زبان نگشایند و تنها به بازگفتن داستان‌های تاریخی و یا نمایاندن رویدادها و نگاهتسه‌ها بپردازند. با این همه، در سروده‌های دسته‌ای از آنان یادی از سعدی شیرازی نیز دیده‌ شده است. برای نمونه، لوکت دولیل، از رهبران پاراناس، در دفترتی با نام «گل‌های اصفهان» به آنچه در گلستان و بوستان سعدی خوانده بوده یاد کرده است.

در بررسی این گسترش و تأثیر یک نکته

لازار کارنو، رهبری که شیفته سعدی بود

فرشید ابراهیمی



تئور سعدی کارنو، پناخین رئیس جمهور فرانسه به دست یک ارتشمنت نظامیایی

از چشم دور مانده است. اندیشه‌های سعدی به راستی تنها در پرورش اندیشه سرایندهگان و نویسندگان اروپایی‌کارگر نبوده است؛ سیاستمداران و رهبران نیز از آن بهره‌های فراوانی در شیوه‌های اخلاقی فرمانروایی برده‌اند.

ژنرال لازار کارنو: رهبری انقلابی که شیفته سعدی بود در میان سیاستمداران و چهره‌های سرنوشته‌ساز تاریخ معاصر فرانسه نام لازار کارنو فراموش‌ناشدنی است؛ تنها نه همان‌گونه که گفتیم او که از سال‌ها پیش با اندیشه‌های کثمتورای سعدی در گفتارهای او (بوستان و گلستان) آشنا بود، از خون‌خواری روسسیسر و یارانش بیزار بود و در این‌باره راه روش آنان از هم جدا می‌شد. او همان‌گونه که در اندرزه‌های سعدی یافته بود، می‌گوشید می‌دانست!

ژنرال لازار کارنو ریاضی‌دانی فرانسوی بود که برنامه ساختار پیروزی در جنگ‌های انقلاب فرانسه را آماده کرد و پدیدآورنده چهارده ارتش جمهوری فرانسه بود. او در سال ۱۷۹۴

لازار کارنو، رهبری که شیفته سعدی بود

فرشید ابراهیمی



لازار کارنو ریاضی‌دان، از رهبران انقلاب فرانسه و نوی فرانسوا سعدی کارنو



ماری فرانسوا سعدی کارنو، پناخین رئیس جمهوری فرانسه

ماری فرانسوا سعدی کارنو:

سعدی‌پژوهی که رئیس جمهور شد
ماری فرانسوا سعدی کارنو به ریاست جمهوری فرانسه برگزیده شد و نام چکامه‌سرای شیرین‌سخن شیراز را بیش‌ازپیش بر سر زبان‌ها اندخت؛ زیرا که برای نخستین بار در جهان رهبر کشوری بزرگ نام سعدی را بر خود می‌نهاد. او در سال ۱۸۳۷ میلادی زاده شده بود. مهندس مدرسه پلی‌تکنیک در پاریس بود. نخستت به نمایندگی مجلس، سپس به وزارت کار، و در سال ۱۸۸۷ میلادی با بیشترین آرا به ریاست جمهوری فرانسه برگزیده شد. او همان دوران که در سیاست فرانسه جایگاه ویژه‌ای داشت، نوشتارهای بسیاری را در پژوهشنامه‌های فرانسوی، درباره اندیشه‌های سعدی شیرازی چاپ می‌کرد و سروده‌هایی از زبان او در دست است که بسیار به شیوه کلامی سعدی همانند است.

ناید فراموش کرد هم او بود که به انگیزه دلدادگی بسیار به فرهنگ ایرانی از فرمانروا و سران ایران به ویژه ناصرالدین‌شاه خواست تا به فرانسه بروند سنسیس عاشقانه پذیرای آنان شد و از ناصرالدین‌شاه قاجار خواست تا بگذارد با دستان خود نگاره‌ای از چهره پادشاه ایران بکشد.پیکر ماری فرانسوا سعدی کارنو، رییس جمهور فقید فرانسوی با گرمی‌داشت بسیار، در کنار پیکر نیای خود لازار کارنو، در کلیسای پانتئون (فرانسه)، در گوری که سنگ روی آن بجای نشان چلیپا (صلیب) بسا پوته‌های گل سرخ آذین شده، به خاک سپرده شد تا یادمان آن فرهنگشان را با همراه نام بلند سعدی بر روی گورشان، جودان سازد. شایسته یادآوری است که در میان گل‌های زری که امروزه هر یک به نام و یاد چهره‌های اثرمی‌خوانده می‌شوند، نام گل سرخی دیده می‌شود که با نام زَر ماری فرانسوا سعدی کارنو پیوند خورده است.

یاری‌نامه:

در سعدی تا آراگون (تأثیر ادبیات فارسی در ادبیات فرانسه)، دکتر جواد حدیدی، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۹۴

فیلم مستند سعدی کارنو، فرشاد اکتسابی (کارگردان)

ه فیلمی که بخت بیشتری برای معرفی به اسکار ۲۰۲۳ دارند

در این رقابت برخوردار است.

نگاه غالب در پروسه انتخاب نماینده به آکادمی اسکار این است که آن اثر، دربردارنده اعتقاد و باور قلبی و سرزمینی کشورمان باشد که با این تحلیل، موقعیت مهدی، پرفعال‌ترین فیلم این فهرست است که اگرچه نمایش جهانی و حضور در فستیوال‌های بین‌المللی را در کارنامه ندارد اما می‌توان به ش‌رط معرفی زودهنگام، زمینه‌های حضور جهانی فیلم را در سینماها و جند جشنواره جهانی فراهم آورد.

برادران لیلیا

سسومین ساخته سعید روستایی، یکی از گزینه‌ها برای معرفی به آکادمی است. فیلمی که در رقابتی جشنواره کن ۲۰۲۲ حضور داشت و توانست جایزه فیپریشی این رویداد را نیز از آن خود کند.

برادران لیلیا در جشنواره‌های مونپخ و ملبورن نیز حضور دارد. اکران فرانسه این فیلم نیز از چهارشنبه دهم شهریور آغاز می‌شود که این پارامتر نیز امتیازی برای این فیلم به حساب می‌آید.

فیلم ۱۶۵ دقیقه روستایی، به لحاظ زمانی و سوسوه محتوایی نیز پیرو علاقمندی اعضای آکادمی است اما همان‌گونه که مخاطبان سینما می‌دانند، چالش‌هایی جدی میان روستایی و مدیریت سینما برقرار است که خود به تنهایی می‌تواند ایسن فیلم را از گردونه رقابت کنار بگذارد.

مدیریت سینمایی از یک سو مصر به اعمال موارد تعیین‌شده برای این فیلم است و روستایی هم هم‌چنان بر ساز عدم‌رعایت این موارد می‌نوازد. در چنین شرایطی که اصطکاک عمیقی میان این دو قطب ایجاد شده است،

خسران اصلی به سینمای ایران بازمی‌گردد که نمی‌تواند چنین نماینده را به آکادمی معرفی کند. بنابراین اگر طولانی شدن پروسه معرفی نماینده به چانه‌زنی برای رفع مشکل برادران لیلیا مربوط باشد، می‌توان آن را عقلانی و منطقی دانست چرا که این فیلم، آن مسیر ابتدایی معرفی فیلم به جامعه سینمایی جهان را پی‌سومده و در این زمینه، چند قدم جلوتر از سایر گزینه‌های احتمالی سینمای ایران قرار دارد.

شب، داخلی، دیوار

وحید جلیلی که یک بار در سال ۲۰۱۹، با بدون تاریخ، بدون امضاء، سابقه حضور در رقابت اسکار را دارد، اکنون و با سومین ساخته‌اش، یکی از بخت‌های سینمای ایران برای معرفی به آکادمی محسوب می‌شود. این بخت زمانی پررنگ‌تر می‌شود که شب، داخلی، دیوار، از ۱۶ شهریور در بخش رقابتی ونیز ۲۰۲۲ به نمایش درمی‌آید و پس از آن، بلافاصله راهی جشنواره تورنتو خواهد بود. همچنین بخش‌کننده جهانی فیلم نیز مشخص شده و فیلم قرار است با یک برنامه‌ریزی خوب، اردن و فیلم‌های مهمی دیگر نیز نمایش داده شود. رز مسفر را نیز اضافه کرد که البته از شناسن بهمراتب کمتری به نسبت ۵ گزینه فوق برخوردار هستند.

تنها امیدواری دست‌سوزان سینما در مسیر انتخاب نماینده این سالست که گزینه نهایی سینمای ایران برای اسکار ۲۰۲۳، قربانی انتخاب‌های سلیقه‌ای و جناحی نشود تا به‌مانند سالی که یک مستند به این رقابت‌ها راه یافت، شکست سینمای ایران در اسکار، از پیش معلوم‌شده نباشد.



این زمینه بوده و اصلاح شده است.سماون امیر هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین بیان کرد: برخی از گروه‌ها به چند دلیل نمی‌خواهند این تعامل دوطرفه ایجاد شود؛ برخی می‌خواهند با اقداماتی، فعالیت هنری آنان متوقف شود و با این روش مشهور وقتی یک گروه هنری از جمله موسیقی مجوز دریافت می‌کند، اگر قانون را زیر پا بگذارد، و از آن عدول کند، تذکرات آغاز می‌شود. تعطیل کردن سا ممنوع کردن، آخرین مرحله‌ای است که اعمال می‌شود. گروه‌هایی که مجوز می‌گیرند، می‌توانند اعلام کنند که در بعضی موارد فقط ما به یک تذکر بسنده می‌کنیم و گروه رعایت می‌کنند. به عنوان مثال در گروه نمایشی به یک صحنه، اتفاق خوب که انجام می‌دهد؛ منابع مالی اش را می‌پذیرند و اصلاح می‌کنند و مواردی در

نکته

تعطیلی اجباری کتابفروشی‌ها



هر از گاهی صدای تعطیلی یکی از کتابفروشی‌ها از گوشه و کنار شهر و کشور بلند می‌شود. گاه افراد به تماشای تعطیلی می‌نشینند و گاه برای نگهداری آن آستین‌ها را بالا می‌زنند.

به گزارش ایسنا، تعطیلی

کتابفروشی‌ها حرف امروز و دیروز نیست، سال‌هاست که گاه کتابفروشی‌ها به نفع اغذیه‌فروشی‌ها و کافه‌ها کنار می‌روند یا تعطیل می‌شود که هزینه‌اضافی برای صاحبش به بار نیآورد. تأسیس کتابفروشی به معنای اختصاصی آن، دارد کم‌رنگ‌تر می‌شود و بیشتر کتابفروشی‌هایی که تقریباً سرپا مانده‌اند، در کنار کتاب به فروش لوازم تحریر و گاه اکسسوری و صنایع دستی رو آورده‌اند. این قصبه بر دره، زمانی درنداک‌تر می‌شود که این اتفاق‌ها در گذر فرهنگی تهران یعنی خیابان انقلاب و در مقابل دانشگاه تهران بیفتند، جایی که محل رفت‌وآمد قشر تحصیلکرده و احتمالاً کتابخوان‌ها بیشتر است. تعداد کتابفروشی‌های عمومی این راسته به تعداد انگشتان دست رسیده و کتابفروشی‌های موجود بیشتر کتاب‌های درسی و کمک درسی و آموزشی دارند. بسیاری از مغازه‌ها نیز کافه و اغذیه‌فروشی شده‌اند.

یکی از مشکلات حوزه نشر در ایران، همواره کمبود ویت‌رین برای کتاب عنوان شده است. به گفته یاسر احمدود، معاون فرهنگی وزیر ارشاد، در سال گذشته حدود ۱۱۲ هزار عنوان کتاب مجوز نشر گرفت‌اند و به گفته علی رضانی، مدیرعامل خانه کتاب و ادبیات ایران، در کشورمان حدود ۲۲ هزار مجوز نشر داریم که از این میزان حدود ۵ هزار ناشر فعال هستند، پس تعداد تولیدکنندگان کتاب (ناشران) از تعداد عرضه‌کنندگان آن (کتابفروشی‌ها) بیشتر است. یکی از گله‌های همیشگی ناشران هم این است که همه کتاب‌هایشان امکان عرضه در کتابفروشی‌ها را ندارند. اگر به تعداد کتابفروشی‌ها نگاهی بیندازیم، خواهیم دید طبق آماری که توسط خانه کتاب منتشر شده است، تا سال ۱۳۹۷ کل کشور حدود ۸۰۲۱ کتابفروشی داشته‌یم که حدود ۱۵۰۴ کتابفروشی در استان تهران مستقر بودند و بر پایه این اطلاعات گفته‌اند سرانه کتابفروشی‌ها نسبت جمعیت، یک به ۱۰ هزار است؛ یعنی به ازای هر ۱۰ هزار نفر یک کتابفروشی در کشور وجود دارد؛ که صرفاً کتابفروش هم نیستند، بلکه به فروش لوازم تحریر، کارت‌پستال و خرت و پرت‌های دیگر مشغول‌اند، برخی نیز کتاب درسی و کمک‌درسی هم می‌فروشند. بر اساس اطلاعات اتحادیه ناشران و کتابفروشان استان تهران هم حدود ۶۰۰ کتابفروشی در سطح تهران داریم که جابنی نمی‌فروشند که با احتساب آن‌ها بیش از ۱۲۰۰ کتابفروشی داریم. در این باره معاون فرهنگی وزارت ارشاد گفته است: بیش از ۲۰ میلیون نفر از جمعیت کشور در روستاها زندگی می‌کنند که هیچ روستایی در کشورمان کتابفروشی ندارد، در بسیاری از شهرهای کوچک نیز کتابفروشی وجود ندارد در حد حقیقت نیمی از جمعیت کشور به کتابفروشی دسترسی ندارند. حال هم این‌ها را در کنار تعطیلی‌جسته و گریخته کتابفروشی‌هایی به عنوان ویت‌رین‌های محدود کتاب بنگارید که به دلیل مشکلات اقتصادی دیگر توان ادامه مسیر را ندارند. البته یکی از شعارهای دولت قبل «حفظ کتابفروشی‌های محله» بود و طرح‌هایی برای حفظ کتابفروشی‌ها نیزنظر گرفته بودند. مشکلات اقتصادی در سال‌های اخیر کتابفروشی‌ها را کم‌رئوق کرده بود و با آمدن کرونا و تعطیلی‌های بی در پی آن‌ها برای کنترل شیوع کرونا، کتابفروشان را با مشکلات بسیاری دست به گریبان‌گیر کرد. افزایش قیمت کاغذ و به تبع آن کتاب، افزایش اجاره بها، تخفیف‌های نامتعارف بعضا سایت‌های فروش نیز ضربه‌هایی مداوم و متوالی بر پیکر ضعیف این کتابفروشی‌ها بود؛ به گونه‌ای که در طی ماه‌های اخیر چندین کتابفروشی به دلیل مشکلات اقتصادی توان رقابت در بازار را نداشته و عطای این کار را به لقایش بخشیده‌اند. در ادامه مروری خواهیم داشت بر تعدادی از کتابفروشی‌های تعطیل شده:

اواخر سال ۱۴۰۰ کتابفروشی «مروارید» در خیابان انقلاب بعد از ۶۰ سال فعالیت اعلام کرد تصمیم گرفته است کتابفروشی‌ها را تعطیل کند. منوچهر حسین‌زاده، مدیر انتشارات مروارید بیان این‌که یک ناشر نمی‌تواند کتابفروش باشد گفت: فروشگاه به نوعی مزاحم کار انتشارات بود، بنابراین تصمیم گرفتیم فروشگاه را واگذار کنیم و آن را برای فروش گذاشت‌ایم و این یک تصمیم داخلی نشر بود. در واقع در گذشته امیر علی‌بیک، مدیر فروشگاه انتشارات، دوستان دیگر توان مدیریت فروشگاه را نداشتند و به تصمیم تعطیلی کتاب‌فروشی رسیدیم.

کتابفروشی «چهل کلاغ» یکی از کتابفروشی‌های تازه‌نفس در بازار کتاب بود که اواخر اسفند ۱۳۹۷ با همکاری چند نویسنده، یعنی فرشته احمدی، محمد حسینی، امین حسینیون و جواد مزاده در مرکز خرید آرگ تجریش آغاز به کار کرد و بیشتر دوران حیات خود را در دوران کرونا گذراند که آغاز اردیبهشت‌ماه هم‌زمان با نمایشگاه کتاب تهران بود که صاحبان‌شان از پایان زندگی این کتابفروشی با عمر سه سال را اعلام کردند. به گفته محمد حسینی دلیل اصلی تعطیلی آن افزایش غیرمنطقی اجاره‌بها بود، مالک ملک اجاره بهای ۵۲ میلیون تومانی را به ۱۰۰ میلیون تومان در ماه افزایش داده بود و آن‌ها ناگزیر به فکر تعطیلی آن افتادند.

کتابفروشی «فردوسی» در خیابان سعیدآباد تجریش یکی از کتابفروشی‌های قدیمی شهر تهران با قدمتی ۵۰ ساله بود که توسط محمدعلی نوهی در سال ۱۳۴۰ شروع به کار کرد و بعد از درگذشت او، فرزندان کار پدر را ادامه می‌دهد. او هم چندین پیش با اشتراک متنی در شبکه اجتماعی این کتابفروشی اعلام کرد: «روزگار روی خوشش را در قبال این حرفه به ما نشان نداد و محکوم و مجبور شدم که این شغل شریف و فرهنگی به جا مانده از مرحوم پدرم را تعطیل و تغییر دهم.» و این‌گونه چراغ یک کتابفروشی ۵۱ساله خاموش شد. در ادامه دومینویز تعطیلی کتابفروشی‌ها «کتابفروشی نمایشگاه کتاب کودک» در میدان انقلاب اعلام کرد تا خرده ۱۴۰۱ فعال هستند و چراغ این کتابفروشی تخصصی کتاب کودک که در سال ۱۳۵۹ روشن شده بود بعد از ۴۱ سال فعالیت خاموش شد.

بر اساس اطلاعیه تعطیلی این کتابفروشی این اتفاق به دلیل بار روانی و مالی شرابط موجود اتخاذ شده است. در این اطلاعیه آمده است: می‌دانستیم مسیری را برگزیده‌ایم که در آن با چالش‌های فراوانی روبه‌رو هستیم و آنها را به جان خریدیم، و همواره مأمنی برای دوستان‌ران کتاب کودک بوده‌ایم. … سال گذشته همین روزها بود که تصمیم گرفتیم به فعالیت‌مان پایان دهیم، اما عشقی که در وجودمان بود باعث شد بکوشیم تا رسالت فرهنگی‌مان را به انجام رسانده و نگذاریم دنیای کودکان ایران خالی از ادبیات و معنا باشد.

اما این‌بار گریزی از این تصمیم نیست و از آنجایی که کتابفروشی شغلی است که با عشق و علاقه ادامه پیدا می‌کند، بار روانی و مالی شرایط موجود باعث شده فعلاً رمقی برای ادامه مسیر نداشته باشیم. پس تصمیم گرفتیم به فعالیت خود (فروش حضوری و اینترنتی) پایان دهیم و شاید وقتی دیگر و در شرایطی بهتر دوباره با انرژی به این مسیر برگردیم.» شعبه کتابفروشی «هویا» در تهران پارس که از آذرماه ۹۶ شروع به کار کرده بود، بهار امسال یعنی ۱۴۰۱ بعد از نزدیک به ۵ سال فعالیت به کار خود پایان داد. البته این درحالی است که نشر هویا از ناشران متمول این روزگار محسوب می‌شود.در آخرین مورد، این دومینویز کتابفروشی اسم رسید. سعید مکرمی، مدیرعامل انتشارات و کتابفروشی «اسم» در صحنه شخصی خود مطلبی درباره مشکلات پیش روی فعالان این مرکز فرهنگی منتشر کرد؛ اینکه بنا بر شرایط تعیین شده تا سوی بانک تجارت، مالک تازه محلی که کتابفروشی در آن دایر شده، تا اواخر شهریورماه سال جاری ملزم به تخلیه شده است. نوشته‌ای که این‌چنین شروع شده: «صبر و مقاومت‌مان به نهایت رسید، انگار راهی جز تسلیم نیست. چراغی که به بهای عمر و جان روشن کردیم رو به خاموشی است.» هرچند از تعطیلی این کتابفروشی با حمایت‌هایی از ارشاد را به همراه داشت که در پی این موضوع دانست.

اعلام تعطیلی قریب‌الوقوع اسم اما واکنش‌هایی داشت که مهمترین آن، انتشار نامه دست‌نویس وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به وزیر اقتصاد، برای جلوگیری از این اتفاق بود. هرچند روح‌الله کریمی، مسئول کافه کتاب آیه در اراک در پستی درباره روند تعطیلی کافه کتاب خود نوشت و از شکل‌حمایت‌هایی که از کتابفروشی اسم شد، انتقاد کرد.

او نوشت: «من یک کتابفروش شهروستانی هستم! راستش اشتقاقی کتابفروش شدم؛ همان زمانی که حس کردم بیرون از ساختارهای رسمی کارآم‌ترم.

آن روزها ایسهٔ ورشوگسسته روی دیوار بود؛ ایسه‌ای که نردبانی شده بود برای برخی «صاحب اسم» و حالا که دیگر وقت بالاشینی‌شان بود، به زیرش انداخته بودند.